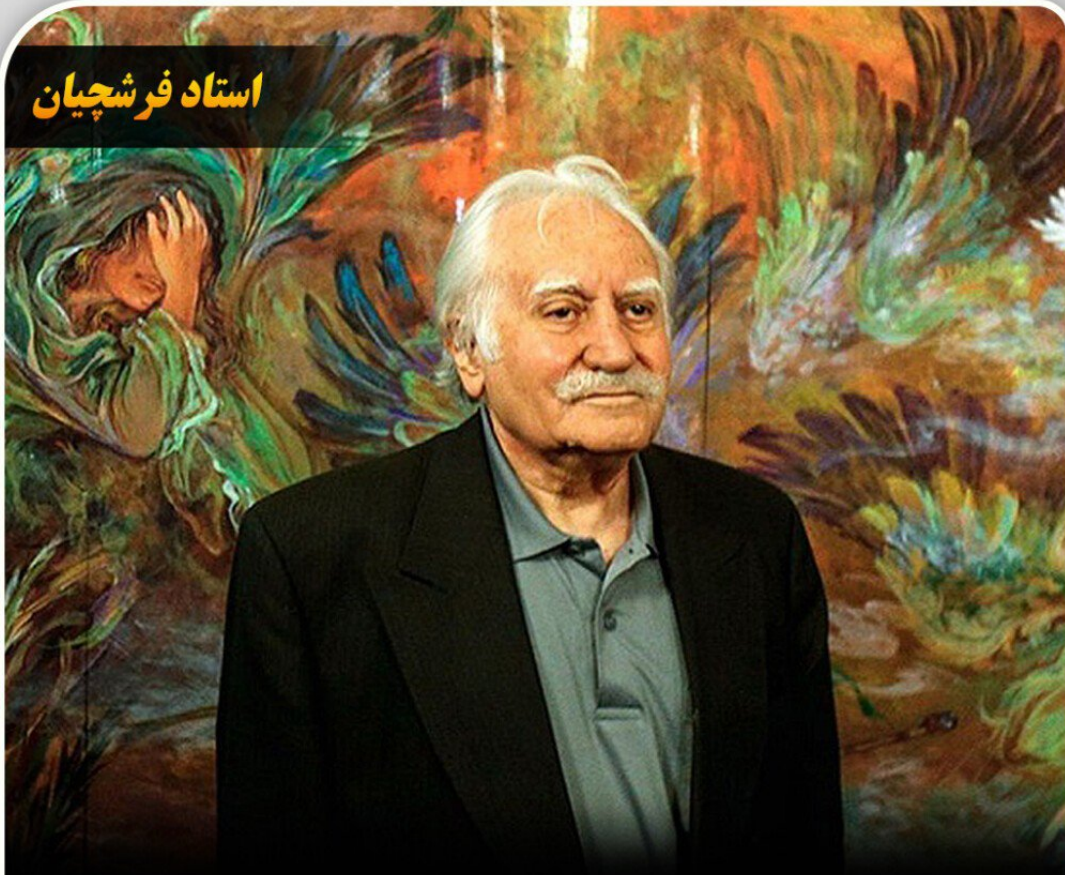


استاد فرشچیان



برای امام حسین علیه السلام باید جان داد!

برای امام حسین باید جان داد!

↓ استاد فرشچیان

من تابلوی مذهبی خودم را هیچ نمی‌فروشم،
نفروختم! همش اهدا و وقف هست، بدون هیچ... من
کارهایی که برای مذهبم انجام دادم، هیچ پول بگیرم،
ابدا.

مجری: نمی‌گیرین؟ خب بدن دیگه؟
نه، نه اصلاً!

خدا رحمت کنه آقای طبرسی رو، وقتی ضریح
حضرت امام رضا علیه‌السلام تموم شد، من یادم
هست که یک مهمانی دادن و مداحان و آقایان و خدام
همه بودند گوش تا گوش، دیدم که یک سینی خیلی
قشنگی آوردن جلوی من، گفتند: تو به خاطر اینکه
هیچ پولی نگرفتی جای این‌ها،...

مجری: تا اون زمان پول نگرفتین؟

ابدا!! پول بگیرم؟ چرا؟!!

مجری: آخه کار دارین می‌کنین!

نه آقا! من باید پول بدم به امام رضا علیه‌السلام که این منت رو گذاشته! اجازه بده، ما یک مرکزی داریم در نور دانش، که این به همت بنده خریداری شده الحمدلله، کمک و مرحمت هم‌نوعان منه، این طبقه بالاش سالن سخنرانی و فیلم و این‌ها هست، پایینش هم مسجد هست که من اون‌جا خود من از هیئت امنا هستم؛ بعد یک آقای رو دعوت کردیم که بیاد آقا برای ما اون‌جا برنامه اجرا کنه، گفت بله من هواپیمام انقدر می‌شه، گفتم بابا یک پولی هم باید بدی!! تا بیای من اینجا راهت بدم و صحبت کنی! یک پولی باید بدی! حالا اون‌ها به سر ما منت دارن، بعد خلاصه به این‌جا رسیدیم.

مجری: ولی اون‌ها خوب هم صله میدن‌ها!

بله، عالی!!

بیشتر از این دیگه واقعاً گنجایشی ندارم، دیدم یک سینی آوردن آقای عزیز، حضرت آقای طبرسی، باز که کردن درب اون جعبه رو، باور کن چشم روزگار خیره می‌شد!! یک تسبیح صد دانه‌ای، یاقوت احمر، اصلاً آدم چیز می‌شد، باور نکردنی بود! گفتند تو چون که این‌جا پول نگرفتی، این را می‌خوان هدیه بدن به شما. من بوسیدم اون رو، درش هم بستم و گفتم آقا من از امام رضا علیه‌السلام که پول نمی‌گیرم که، او به من داره می‌ده، اگر یکم که چیز نفرمایید، من ناچارم که برم این رو ببوسم و بندازم توی ضریح خود حضرت! کارای دیگه هم که کردم، همشهری اصفهان، فرشی رو آقای حقیقی به من سفارش دادن، طراحی کردم این رو. بعد هم یک فرش گنده آوردن که یک بقچه روی زمین بود که می‌خواستن مهمانی بدن، این رو گفتن چون تو پول نگرفتی چیز می‌کنی؛

بعد گفتم آقا من! اختیار دارید، از امام حسین
علیه السلام مگه می شه پول گرفت؟

باید اونجا آدم جانش رو بده! جانش رو بذاره!
مثل این هجده تا تابلویی که هر سری وقف کردم به
آستان قدس رضوی، نه تنها پول نگرفتم، یک مقداری
هم تقدیم کردم.

مثلاً یک وقتی ضریح حضرت امام حسین علیه السلام
ساخته می شد، همه ام می دونن تمام می دونن، نه
کرایه ماشین گرفتم نه کرایه هواپیما، هیچی هیچی؟
وقتی یک ظهری که مثلاً ناهار بخورم این ها به ناچار،
اون وقت باور کن نمی خوام بگم زشته بگم اصلاً،
خدایا من رو تنبیهم نکن، مثلاً می رفتم چندین برابر
پول غذا رو می ریختم توی صندوق اونجا و می رفتم!
نیازی نیست، خودش می ده آقا...

احرام دگر بند و ببین یار کجاست...
یار رو باید پیدا کنی...



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir